

سنت‌های الهی در قرآن و سرنوشت سیاسی اجتماعی جوامع بشری

□ عباس علی جاوید *

چکیده

بحث سنت‌های الهی از جایگاه اساسی و مهم در هر دو سطح نظری و عملی، برخوردار است. شناخت فهم و تحلیل مسایل جوامع بشری بر اساس سنت‌های الهی، با توجه به ویژگی‌های الهی بودن، فراگیری انطباق با روابط علی- معلولی و برخورداری از روش خطانا پذیرمتکی بروحی، سازگاری با اختیار انسان و... راههای شناخت عمیق تر و مطمئن فرا روی اندیشمندان و پژوهشگران، قرار داده و به لحاظ عملی نیز کار بست سنن الهی در ساحت فردی و اجتماعی بیدارگر و حرکت آفرین بوده و راههای اعتلای فرد و جامعه و جلوگیری از انحطاط فردی و اجتماعی را فرا روی انسان‌ها و جوامع انسانی قرار می‌دهد. ازین رو نوشته حاضر، با رویکرد توصیفی- تحلیلی، تعدادی از سنت‌های مهم الهی را با رویکرد تطبیقی با استفاده از آیات قرآن کریم و برخی روایات، در مورد جوامع گذشته و توجه به وجه اشتراک آنها با جوامع حاضر، مورد بحث قرار داده و به این نتایج دست یافته است: ۱- سنت‌های هدایت و ضلالت بر همه جوامع در گذشته و حال و آینده ساری و جاری بوده و باعث تغییرات گسترده در جوامع شده است؛ ۲- جریان سنت‌های امتحان و آزمایش، نیز بر سرنوشت انسانها و جوامع تأثیرات تعیین کننده داشته است؛ برای انسانهای مومن و جوامع باورمند به ارزشهای الهی، باعث رشد و تعالی و کمال یابی گردیده و جوامعی که معتقد به دستورها و هنجارهای الهی نبوده در اثر امتحان و آزمایش، دچار انحراف، کوردلی (طبع قلوب) و فرورفتن در فساد و تباهی و گرفتاری در دام شیطان و در معرض سنت مکر و استدراج و سرانجام به سقوط و نابودی دچار شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سنت، سنت‌های الهی و سرنوشت سیاسی- اجتماعی جوامع بشری.

مقدمه

«سنت» در لغت در معانی مختلف به کار رفته است؛ به معنای راه و روش، رسم، قانون، عادت، طبیعت، امر دارای جریان* ابن فارس، احمد، مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ هـ - ق، ج ۳ ص ۶۱ و ابن منظور، جمال الدین محمد، لسان العرب، ۱۴۰۸ ج ۶ ۳۹۸-۳۹۹. این واژه به صورت مفرد (سنت) و جمع (سنن) بیش از شانزده بار در قرآن کریم به کار رفته است. در اصطلاح به معنای راه و رسم و روش و رفتار و شیوه ای که دوام و استمرار داشته باشد؛ و به همین معنا هم در مورد انسان و هم در مورد خداوند متعال به کار رفته است. چنانکه در فقه در مورد قول و فعل و تقریر معصومان و همچنین در مورد انسان ها و در باره سنت حسنه و سیئه، استعمال شده است. با ویژگی های که برای این واژه زکر شده (راه و روش، دوام و استمرار) آن را معادل قانون قرار میدهد و از آنجایی که موضوع بحث ما سنت های الهی است و افعال خداوند از حکمت مطلق و مصلحت خداوندی سرچشمه میگیرد؛ لذا در تعریف سنت که عبارت است از قوانین و ضوابط یا روشهای که خداوند متعال امور عالم و جوامع انسانی را بر بنیاد آنها تدبیر و سرشت و سرنوشت جوامع نیز بر اساس آنها تعریف و تبیین می شود در این نوشته همین تعریف مدنظر قرار گرفته است.

پیشینه بحث از سنت های الهی بیشتر از سوی مفسرین بزرگوار و در ذیل آیات کریمه قرآن که در آنها کلمه "سنت الله" یا "سنتنا" یا "سنن" * طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴ ج ۴ ص ۲۹ به کار رفته، مطرح شده است. اما در کتاب "مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن" از آیت الله شهید صدر (ره) و کتاب «جامعه و تاریخ» آیت الله مصباح (زیدعزه) بحث دقیق و علمی درباره سنت های الهی مطرح شده و همچنین در مقالاتی نیز به برخی از ابعاد آن، پرداخته شده است. و از آنجا که سنت های الهی با ویژگی های پیش گفته، از ابعاد گوناگونی برخوردار است به طور مثال: ابعاد تربیتی، سیاسی، روانشناختی و همچنین نسبت بین برخی از سنت ها با برخی دیگر و ناظر بودن تعدادی از سنتها به بعد طبیعی انسانها و کلیت و شمول تعدادی از آنها بر هر دو بعد فطری و طبیعی انسانها و مسایل فراوان دیگر که هر کدام مجال پژوهش و تحقیق جداگانه ای را می طلبد، با این حال، هدف نوشته پیش رو، جلب توجه پژوهش گران این عرصه به این

مطلب است که در تحلیل مسایل جوامع، درعین توجه به قوانین اجتماعی و موضوعه یا عرف و رویه‌های بشری، از توجه و تأمل در قوانین الهی (سنت‌های الهی) و تاثیر تعیین کننده آنها بر سرشت و سرنوشت جوامع انسانی، غافل نبوده و از منطبق نمودن قوانین موضوعه‌ی بشری با سنن الهی که از علم بی انتهای الهی سرچشمه می‌گیرند، دور نمانده و از نیل به سعادت و فلاح و رستگاری کاستن از پی آمدهای ناگوار بی توجهی تغافل از قوانین الهی، بر حذر نباشند

یکم: اهمیت مطالعه و شناخت سنت‌های الهی

قرآن کریم در آیات متعدد از مطالعه و تأمل در سرگذشت امت‌ها و جوامع گذشته به عنوان سیر در زمین* غافر، ۸۲، به منظور عبرت آموزی* یوسف، ۱۱۱، سخن می‌گوید و جوامع حال و آینده را به تأمل و عبرت گیری، فرا می‌خواند. زیرا در آموزه قرآن حکیم، فطرت انسانی قابل تبدیل و تغییر نبوده* روم، ۳۰، و آن دسته از سنتها که معطوف به فطرت انسانی است، در تمام ادوار تاریخ و برای همه امت‌ها جریان دارد.* احزاب، ۶۲. در روایات نیز بر جریان سنت‌ها در باره هر ملت چه در گذشته و حال و آینده تصریح شده است.* مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۷ ص ۶

دوم: تقسیمات سنت‌های الهی

در قرآن کریم برای سنت‌های الهی تقسیمات متعدد ذکر شده است:

۱- سنت یا قانون هدایت الهی (هدایت تکوینی)

هدایت به معنای راهنمایی و راهبری اشیا و انسانها به سوی کمال در خور آنهاست. (قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى) سوره طه آیه ۵۰، پروردگار ما کسی است که هر چیزی را آفریده و هدایت فرموده است. "مرحوم علامه طباطبایی در مورد این آیه فرموده است: "هدایت به این معناست که راه رسیدن شیئی به آن نمایانده شود و آن شیئی به مطلوب و هدف رسانده شود. براین اساس، معنای آیه این است که خداوند میان هر چیز باتجهیزقوا و ابزارها در آن، با آثاری که به هدف نهایی اش منتهی گردد، رابطه برقرار می‌سازد؛ نظیر جنین انسانی که در آغاز به صورت اولیه خود مصور و ذاتا دارای قوا و اعضایی ست که با افعال و آثار آن،

چنان تناسب دارد که آن رادر روح و بدن به انسان کامل می‌رساند. بنابراین مقصود از این هدایت هدایت عامی است که هرچیز را در بر می‌گیرد (هدایت عامه) "*(علامه طباطبایی، المیزان جلد ۱۴ ص ۱۶۶-۱۶۷)

هدایت به معنای راهنمایی و به هدف رساندن انسان ها در آیات دیگر قرآن شریف بیان شده است که به دو صورت هدایت تکوینی و تشریحی از سوی مفسرین مورد بحث قرار گرفته است. در آیه شریفه [وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ] سوره بلد آیه ۱۰ و او (انسان) را به دوراه روشن (خیر و شر) راهبر شدیم که منظور از هدایت در این آیه شریفه اینست که خداوند متعال به یکایک انسانها عقل داده است تا به وسیله آن کمابیش، حقایق را دریابد و خوب و بد را از هم تمیز دهند. همچنین هدایت انسانها توسط انبیا و ائمه (علیهم السلام) و مبلغین که پیام انبیا را به جوامع بشری می‌رسانند. در آیات متعدد قرآن عظیم به آن اشاره شده است "ولکل امت رسول" هر امتی را پیامبری بود (سوره یونس، آیه ۴۷) " وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَبُوا الطَّائِفَاتِ " در هر امتی پیامبری برانگیختیم که: خدای متعال را بپرستید و از طغیان گران کناره گیرید. (سوره نحل آیه ۳۶) " و إن من أمة إلا خلا فيها نذير " هیچ امتی نیست مگر اینکه بیم رسانی در آن بوده است. (فاطر آیه ۲۴) در آیات شریف دیگر قرآن پاداش و کیفر الهی را به هدایت و ضلالت منوط نموده است و اینکه عذاب خداوند پس از رسیدن پیام الهی به گوش و هوش مردم، متوجه آنها می‌شود: " وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا " و ما تا رسول نفرستیم (و بر خلق اتمام حجت نکنیم) هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد. سوره مبارکه اسراء آیه ۱۵، همچنین پاداش خداوند را هم در صورتی که به ندای هدایت فطری از درون و هدایت انبیا و پیامبران از بیرون، گوش فرا دهند و عمل کنند، به صورت زیادت نعمت‌های معنوی و اخروی به آنها عنایت می‌نماید.

از مجموع آیات شریف قرآن استفاده می‌شود که: ۱- هدایت تکوینی نسبت به تمام مخلوقات صورت گرفته به همان معنایی که در فوق ذکر شد؛ در ذیل آیه شریفه ۵۰ سوره طه

۲- هدایت تشریحی

هدایت تشریحی نسبت به انسانها به عنوان موجودات مختار، هم از درون و باندای فطرت، که

در عالم ذر و عهدالست به صورت حضوری و گفتگوی فطری، انجام شده است؛ چنانکه قرآن کریم در آیه شریفه ۱۷۲ سوره اعراف فرموده است "وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ" هنگامی که خداوند از پشت آدمی زادگان فرزندانسان را برآورد و ایشان را بر خودشان شاهد قرارداد که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند چرا، شهادت دادیم، تاروز قیامت نگویند که ما از این مطلب غافل بودیم. در این آیه شریفه که به شکل حضوری و شهود قلبی واقع شده است و عذر برانداز و هرگونه خطای در تطبیق را نفی می‌کند، دلالت آشکار بر توحید فطری و خداشناسی درونی دارد. که به صورت تکوینی فرد فرد انسانها از این مواجهه برخوردار بوده است.* مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن صفحه ۴۹

۳- پذیرش یا عدم پذیرش هدایت

شنیدن و نشنیدن و پذیرش و عدم پذیرش نداها فطرت و هدایت‌های پیامبران الهی و مبلغان دینی، پیامدهای بسیاری در سرنوشت جوامع انسانی و فرد فرد انسانها دارد. اگر فرد یا جامعه‌ی پیام‌های هدایتگر الهی را فراگرفته و به کار بسته باشند، از پاداشهای معنوی و مادی برخوردار می‌شوند: "وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ" (آیه ۱۷ سوره محمد) (خدای متعال کسانی را که هدایت یافته اند هدایت شان افزون می‌کند و پرهیزگاریشان می‌دهد. این زیادهای هدایت و تقوا پیشگی را به عنوان هدایت پاداشی و زیادهای نعمت‌های معنوی برای کسانی که هدایت تکوینی و هدایت تشریعی و دعوت انبیا و پیام آوران الهی را دریافته و به کار بسته اند، به آنها عنایت می‌فرماید. چنین افراد یا جوامعی، سرشار از نشاط روحی و معنوی و سعادت و خوشبختی خواهند بود، چنانکه از نعمتهای دنیوی و مادی نیز بهره‌ی فراوان خواهند برد. "وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ" (آیه ۹۶ اعراف) اگر اهل قریه‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم.

۴- نادیده گرفتن هدایت الهی

گوش ندادن به ندای فطرت و دعوت انبیا و مبلغان دینی، پیامدهای زیانبار و جبران ناپذیری به

دنبال دارد؛ قرآن کریم در مورد امتهای گذشته و عقوبت اعمال آنها که راه ضلالت و کجروی و ظلم و ستم را پیشه کرده بودند، می‌فرماید: "در باره قوم نوح که آیات و نشانه‌ها و دعوت آن حضرت را تکذیب کردند، آنها را باطوفان سهمگین غرق کردیم زیرا آنها گروه کوردل بودند. یا در باره قوم عاد و ثمود که آن قدر قدرتمند بودند که کوهها را تراشیده و خانه و قصر می‌ساختند و در آنها به عیش و نوش می‌پرداختند، اما خداوند آنها را بخاطر اینکه پیامبران‌شان را تکذیب کردند، به عذاب صاعقه و تندباد از میان برداشت." "وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذْنَاَهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ" ، سوره فصلت، آیه ۱۷: (ماقوم ثمود را هدایت کردیم ولی آنان کوردلی را برهدایت ترجیح دادند، پس به کیفر آنچه انجام دادند صاعقه عذاب خفت بار آنان را فرو گرفت.) در آیات شریف قرآن در مورد اقوام دیگری که در اثر نپذیرفتن هدایت‌های الهی و پیمودن مسیر عناد و طغیان، دچار عذاب و کیفرهای سخت گردیده‌اند، مطالب فراوان ذکر شده است که در بحث‌های بعدی در باره سنت امتحان یاسنت‌های دیگرالهی بامناسبت مطرح خواهد شد. البته کیفرهای الهی در مورد طاغیان و گمراهان و ظالمان، ممکن است بخاطر سنت استدراج و امهال که شاید برگردند و توبه کنند، مدتی به تأخیر بیفتد که اگر امتی یا فردی توبه نموده و ازاعمال بد و کرده‌های ناپسند دست بردارند، از کیفر خداوند مصون بمانند، همانند قوم یونس ۱۱ که پس از مدتی عناد و لجاجت در برابر آنحضرت، به خودآمده و توبه نموده و راه درستکاری را درپیش گرفتند، توبه آنان پذیرای آستان کریمانه الهی گردید و خداوند متعال عذاب را از آنها برداشت. (سوره یونس آیه ۹۸)

۵- سنت امتحان یا آزمایش

سنت آزمایش یکی دیگر ازسنت‌های مطلق الهی است که در مورد انسان هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی، محقق می‌شود. از آنجائیکه این سنت مربوط به انسان و جامعه‌ی انسانی است، و انسان به عنوان موجود مختار، هم چیزهای مورد پسند یاخوش آیند و لذت بخش، فراروی خود دارد و هم امور ناخوشایند و آلام و رنج آور را؛ بدین معنی که انسانها همانطور که باسختی‌ها رنجها و مشکلات و فقر و بیماری و... آزمایش می‌شوند، به همان

سان با لذتها و ثروت و برخورداری و آسایش و رفاه آزموده می‌شوند، هم به صورت فردی و هم در شکل جمعی و در قالب اجتماعی.

این سنت در قرآن عظیم بالفاظ «امتحان»، «ابتلا»، «فتنه» و «تمحیص» آمده است. که در همه معنای آزمایش و جداسازی خوب از بد و خالص از ناخالص نهفته است. *جمعی از نویسندگان تفسیر موضوعی قرآن کریم، این سنت الهی در مورد انسانها و به طور مطلق (اعم از مسلمان و کافر و مومن و منافق) محقق می‌شود. مثلاً در آیه شریفه «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» سوره عنکبوت، آیات ۲ و ۳ (آیا مردم پنداشته اند که تاگفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ به یقین کسانی را که پیش از این هابودند، آزمودی؛ و خدای متعال کسانی را که راست گفتند نیک می‌شناسد و همچنان دروغگویان را) یا در آیه شریفه ۱۸۶ سوره آل عمران می‌فرماید: «لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ» (در دارایی هایتان و جانهایتان به یقین آزموده می‌شوید) در سوره انفال آیه ۲۸ «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (بدانید که دارایی هایتان و فرزندان تان فقط وسیله آزمایشند) یادرسوره آل عمران آیه ۱۵۴ آمده است: «وَ لِيَمْحَضَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (و این ها برای اینست که خداوند آنچه در دل‌های شماست بیازماید و آنچه در دل‌های شماست، پاک گرداند و خدا به راز سینه‌ها آگاه است).

امتحان یا آزمایش‌های بشری معمولاً بخاطر آگاهی از سطح و توان علمی به منظور ارتقای دانش آموزان یا تعیین سطح آموزشی آنان صورت می‌گیرد. اما در آزمایش‌های الهی، خداوند متعال که عالم به علم مطلق و ماکان و مایکون می‌باشد و فراتر از حصار زمان و مکان و سرو خفی و أخفا از دایره علم بی‌نهایت خداوند بیرون نیست، براساس حکمت الهی، ۱- زمینه‌سازی رشد و تعالی انسان صورت می‌گیرد که انسانها با آزمایش بانیکی‌ها و بدیها، شادیها و تلخی‌ها به سوی خداوند و در مسیر تقرب به خالق توانای خویش، که کمال و رشد و سعادت و رستگاری شان در آن است نایل آیند. ۲- آشکارکردن عینی و خارجی هویت واقعی انسانها، جداسازی راستگویان از مدعیان دروغین که ممکن است در نبود امتحان الهی، شناختن آنها ممکن نباشد، با وقوع آزمایش‌های الهی از همدیگر هم برای خودشان و هم دیگران از هم بازشناخته می‌شوند.

شاخصه‌های سنت آزمایش

از مجموع آیات قرآن کریم در مورد سنت آزمایش، چند نتیجه به دست می‌آید: اولاً، سنت امتحان همانند سنت هدایت، فراگیر و مطلق است؛ نسبت به همه انسانها چه مسلمان و غیر مسلمان.

ثانیاً، هم در مورد فرد و هم جامعه جریان دارد و هیچ فرد و جامعه‌ای از آن گریز ندارد. ثالثاً، انسانها چه به صورت فردی یا جمعی هم با امور خوشایند از قبیل ثروت و فرزند و مقام و سلامتی و... آزمایش می‌شوند، هم با مسایل ناخوشایند و آلام و رنج آور مانند فقر و تنگدستی بیماری و از دست دادن موقعیت و مقام اجتماعی و...

رابعاً، در اثر آزمایش انسانهای خالص و مومن و صابر و صادق و جامعه‌ی سعادت مدار و بامعنویت، از انسانهای دروغگو و ریاکار و فاسد و جامعه‌ی فاسد و جاهل و فریبکار، متمایز می‌شوند. نمونه‌های فردی و اجتماعی در مورد هردو طیف موفق و کامیاب از آزمایشهای الهی که به درجه اعلا و بالایی از کمال و انسانیت و سعادت و فلاح و رستگاری رسیده اند در تاریخ بشریت داریم. حضرت ابراهیم پیامبر ما آزمایش‌های سخت از قبیل آمادگی قربانی کردن پسر جوان و رشید خود اسماعیل را به خوبی و مشتاقانه به انجام رساند و خداوند متعال نیز پاداش این امتحان سخت را به آنحضرت و پسرش اسماعیل، عطا فرمود و آن دو را به مقام بزرگ رسالت خویش برگزید و همین گونه حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) در راستای مبارزه با شرک و بت پرستی، پروانه وار در آتش رفت و با اعجاز الهی آتش بر او گلستان شد و در نتیجه‌ی کامیابی و موفقیت شایسته‌ی آنحضرت، خداوند قادر متعال، مقام منیع و رفیع امامت را به وی عطا فرمود. انبیای الهی (علیهم السلام) از آدم تا خاتم و ایمه هدی (علیهم السلام) هر کدام با استعداد خاص و عنایات الهی که خداوند رسالت خویش را به آنها داده بود، در راستای توحید و رهایی انسانها از دام و حصار شرک و بت پرستی، با آزمونها‌ی سخت الهی مواجه و با موفقیت کامل از امتحانات الهی، مقام و جایگاه انسان کامل و شایستگی خلافت خداوندی را یافته و اصول و مسیر راهنمایی و هدایت انسانها را تبیین و ترسیم نموده‌اند. پیشوایان الهی که براساس حکمت بالغه خداوندی تقیام قیامت زمین از وجود پربرکت شان

خالی نخواهد بود، مسیر و شاهره سعادت و رستگاری را که خواسته و هماهنگ با فطرت خداوندی است، فراروی بشریت، تعیین و ترسیم کرده اند تا سرشت و سرنوشت جوامع بشری را براساس فطرت خداجوی وی، رقم بزنند. نمونه‌های مدینه النبوی (P) و حکومت علوی (E) و جامعه‌ی سرشار از معنویت و صلاح و رستگاری که با حکومت جهانی عدل گستر مهدوی # محقق خواهد شد؛ به خوبی نشان دهنده مدینه فاضله‌ی است که نمونه کامل آن در عصر حکومت جهانی مهدوی به وقوع خواهد پیوست. انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی که برگرفته از مبانی اسلام ناب محمدی (P) و نظریه ولایت فقیه بالگوگیری از سیره حکومتی پیامبر اکرم (P) و امیرالمومنین (E) در ایران محقق شده است، به سمت و سوی حکومت عصر ظهور انشالله در حرکت و با الطاف بیکران الهی به آن متصل خواهد شد چرا که براساس یکی دیگر از سنت‌های لایتغیر الهی، انجام و فرجام کار با پیروزی پرهیزکاران رقم خواهد خورد. (وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) قصص، آیه ۸۳.

در سوی دیگر قضیه نیز شواهد فراوان تاریخی، گویای این واقعیت است که کسانی یا جوامعی که از آزمایش الهی شکست خورده و برخلاف فطرت و دعوت انبیا و پیام رسانی الهی به طغیان و کفر و ظلم و ستم، عمل کرده اند با انتقام و کيفر سخت الهی دچار گشته اند؛ "نمرود" با نفوذیک پشه در مغز، از پای درآمد، فرعون با ادعای خدایی که داشت در اعماق قهر الهی در دریا غرق شد. قوم عاد، ثمود و قوم لوط و جامعه جاهلی عرب پیش از اسلام و حکام ظالم اموی و.... در زمان معاصر، ستم کاران مانند هیتلر و استالین و صدام و قدرت‌های زورگو و استعمارگر، از صحنه‌ی زندگی، با خفت و ذلت و خواری ساقط شده‌اند. "... وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) " (ستمکاران به زودی خواهند دانست که بازگشت شان به کجاست). سوره شعرا آیه ۲۲۷

۱- سنت‌های مشروط:

یک دسته از سنت‌های الهی مربوط به انسان و جوامع انسانی است که مشروط به اعمال و رفتارهای مردم، پس از سنت‌های مطلق هدایت و آزمایش می‌باشد، که اگر انسانها به هدایت‌های

الهی توسط پیامبران و مبلغان گوش فراداده و براساس آنها عمل کردند، یک سری سنتهای دیگر الهی در باره آنها اعمال می‌شود؛ مانند زیاد شدن هدایت و نعمت‌های معنوی و اخروی، و اگر به هدایت‌های الهی گوش نداده و برخلاف آنها رفتار نمایند یا در نتیجه آزمایش، موفق نشوند از عهده آزمون‌های الهی کامیاب گردند، سنتهای الهی درباره آنها محقق می‌شود مانند سنت زیادت ضلالت و گمراهی و امهال و استدراج و... که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱ / ۱. سنت‌های مشروط به ایمان:

الف) زیاد شدن نعمت‌های معنوی و اخروی

اگر انسانها با بهره‌گیری از هدایت‌های درونی فطری و پذیرش دعوت پیام‌آوران الهی به عنوان هدایت‌های بیرونی، در مسیر اطاعت و پیروی از خداوند متعال قرار گرفت، خداوند نیز به عنوان هدایت‌های پاداشی، بر هدایت آنها خواهد افزود. "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" (اگر سپاس دارید، به یقین، افزون‌تان دهم) ابراهیم آیه ۷ یا در آیه شریفه ۷۶ مریم می‌فرماید: "وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى" (خدای متعال کسانی را که هدایت شده بر هدایت و راهنمایی‌شان می‌افزاید) و در آیه ۲۹ سوره انفال می‌فرماید: (کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند پروردگارشان به ایمانشان هدایت‌شان می‌کند).

ب) زیاد شدن نعمت‌های دنیوی و مادی

تقوا پیشه‌گان و هدایت‌یافتگان، همچنانکه از نعمت‌های معنوی الهی برخوردارند، بالطف و عنایت خداوند متعال از زیادی نعمت‌های مادی و دنیوی نیز بهره‌مندی می‌برند، "وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ (الأعراف، ۹۶)" (اگر اهل قریه‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری می‌کردند، برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم) یاد آیه شریفه دیگر می‌فرماید: "اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً، وَ يُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً" از پروردگارتان آمرزش بخواهید که وی آمرزنده است تا با باران فراوان از آسمان و داراییها و فرزندان شما را کمک کند و برایتان باغها و جویبارها

پدید آورد). آیات ۱۰-۱۲ سوره مبارکه نوح

ج) پیروزی بردشمنان

از سنت‌های بزرگ الهی برای هدایت شدگان و اهل حق و تقوا پیشگان، نوید پیروزی حق بر باطل است که هم پیروزی حق بر باطل در میدان حجت و استدلال و برهان است هم پیروزی اهل حق بر باطل در میدان جنگ و نبرد. "وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، لِيَحَقِّقَ الْحَقَّ وَيَنْبِطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ" خدای متعال می‌خواهد حق را با کلمات خویش استقرار بخشد و دنباله کافران را ببرد، تا حق را استقرار دهد و باطل را نابود کند، هر چند گناهکاران را ناخوش آید). آیه ۷-۸ انفال در آیات دیگر، خداوند متعال به پیامبران و پیروان آنان، نوید کمک و پیروزی و چیرگی بر دشمنان، می‌دهد. "فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ" (به راستی گروه خدای متعال، پیروز خواهد شد) آیه ۵۶ مائده یا آیه شریفه و کان حقا علينا نصر المومنین" (یاری کردن مومنان بر عهده ماست) (كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي" (خدای متعال مقرر کرده است که به یقین، من و فرستادگانم چیره می‌شویم) آیه ۲۱ مجادله در بسیاری از آیات شریف قرآن، نمونه‌ها و مصادیق از کمک‌های خداوند متعال به انبیا و مومنان را بیان می‌فرماید: "قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ" (الأعراف، ۱۲۸) (موسی به قوم خود گفت: از خدای متعال کمک جوئید و شکیبایی کنید که زمین از آن خدای متعال است و آن را به هر کس از بندگان که خود بخواهد وامی‌گذارد و فرجام نیک از آن پرهیزکاران است). و در بسیاری از آیات دیگر قرآن کریم در مورد یاری و کمک خداوند به پیامبر و مومنین در جنگ بدر و حنین و... به اشکال مختلف از قبیل همراه نمودن لشکرهای از فرشتگان الهی و آرامش و استواری دل‌های مومنین و ایجاد رعب و وحشت در دل‌های مشرکین و فرود آوردن تندبادها سپاهیان نامرئی بر دشمنان شان، را یاد آوری می‌کند. چنانکه آیه شریفه "وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ" قصص، آیه ۵ نوید و بشارت پیشوایی و امامت زمین را به مستضعفان و مورد ستم واقع‌شدگان، می‌دهد و این نوید در مورد

حضرت موسیٰ و ییروانش محقق شد و در جهان شهر مهدوی # نیز واقع خواهد شد. همچنین در آیاتی از قرآن عظیم بر وعده خیر دنیا و آخرت برای اهل حق، تاکید شده است. در آیه شریفه ۴۱-۴۲ سوره نحل بر احسان خداوند متعال در دنیا و آخرت، نسبت به مهاجران در راه خدا تاکید شده و در سوره فصلت آیه ۳۱ بر ولی بودن خداوند نسبت به کسانی که استقامت ورزیده و در مسیر حق و حقیقت پایدار بوده‌اند. در دسته دیگر از آیات شریف قرآن، بر وعده پیروزی در همین دنیا برای مومنین واقعی تصریح شده است: "وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ" (سست مشوید و اندوه گین نباشید که شما اگر واقعا مومن باشید، برترید). آل عمران، آیه ۱۳۹ و در آیه شریفه ۵ سوره قصص، نوید سروری و فرمانروایی بر زمین را به مستضعفین و آنانکه مورد ستم واقع شده‌اند، می‌دهد و اهل حق را وارثان زمین می‌داند. و در دسته دیگری از آیات مبارک قرآن مجید از تعلق اراده الهی به غلبه و جهانگیری دین حق (اسلام)، سخن می‌گوید: "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ" (اوست (خداوند) که پیامبر خویش را با هدایت و دین حق فرستاد تا وی را بر همه دین‌ها چیره سازد و گرچه مشرکان را ناخوشایند باشد). توبه، آیه ۳۳ حکومت اسلامی مدینه توسط پیامبرگرمی اسلام (ﷺ) و دعوت جهانیان به این دین، مصداق آشکار آیه شریفه می‌باشد.

سنت‌های مخصوص اهل باطل

دسته دیگر از سنت‌های الهی که مشروط به اعمال اختیاری و رفتار افراد انسانی و جوامع بشری است، مخصوص اهل باطل و کسانی است که با سوء اختیار راه باطل و غیر صراط مستقیم را برگزیده و به رغم دعوت و ندای فطرت از درون و دعوت پیام‌آوران الهی از بیرون، بر بیراهه و کج روی خود اصرار نموده و مسیر باطل را پیموده‌اند، خداوند نیز آنها را مبتلا به عقوبت‌هایی نموده است که در ادامه به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

۱/ زیاد شدن گمراهی

زیادی گمراهی و تداوم کجروی آنها، که علما از آن به اضلال کیفری نام می‌برند، البته خداوند

متعال بر اساس حکمت بالغه خود، هدایت تکوینی و تشریحی دارد چنانکه در فوق به آن پرداخته شد اما اضلال ابتدایی ندارد و در واقع، ضلالت و گمراهی امرعدمی و حالت فقدان و نپذیرفتن نور هدایت می‌باشد.* جوادی آملی، تفسیرتسنیم، ج ۱ ص ۴۹۴. بنابراین، کسانی که به سوء اختیار، خودشان را از نور هدایت محروم کرده اند و راه ضلالت و گمراهی را انتخاب کرده اند یا جامعه‌ای که از مسیر هدایت الهی منحرف شده و به تعبیر فارابی جامعه جاهله و ضاله گشته اند، سرشت و سرنوشت چنین افراد و جامعه، چیزی جز تداوم ضلالت و گمراهی و زیادت عصیان و طغیان و ابتلا به عقوبت الهی، نخواهد بود. خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره روم می‌فرماید: "ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوءَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ" (آنگاه سرانجام کسانی که بدی کردند این شد که آیات خدای متعال را دروغ دانستند و آنها را استهزاء می‌کردند). و در آیه شریفه "فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ" صف آیه ۵ (چون منحرف شدند خدای متعال دل‌های شانرا به انحراف کشید؛ بر انحراف شان افزوده شد و خدای بزرگ گروه طغیانگر را هدایت نمی‌کند).

۲/ تزئین اعمال

یا خوب جلوه کردن رفتار، کسانی که راه باطل را بر گزیده اند، خداوند متعال به سبب این سوء اختیار، کردارهای ناشایسته و ناپسند آنها را توسط شیطان به نظر آنها خوب جلوه می‌دهد و آنها بیشتر بر اعمال نادرست شان اصرار می‌کنند چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی؛ چنانکه* فارابی در کتاب سیاست مدینه صفحه ۲۷۶ * می‌گوید: "مدینه یا جامعه فاسقه به سعادت علم دارند و راه‌های رسیدن به آن را هم می‌شناسند، اما به آن عمل نمی‌کنند و پایبند نمی‌باشند. و اعضای مدینه‌ی ضاله نیز با علم به راه‌های سعادت و خوشبختی، به قلب اصول و مبادی آنها مبادرت می‌کنند و آنها را به جای اصول اصلی سعادت و خوشبختی، تبلیغ و عمل می‌کنند." این همان تزئین اعمال است که در آیات متعدد قرآن شریف، بیان شده است. «زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» (شیطان کارهای شان را در چشم شان آراسته) آیه ۴۸ انفال. یا «زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ» (کارهای بدشان برایشان آراسته شد) توبه، آیه ۳۷ یا «أَفَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ»

عمله فرآه حسنا» (آیا آنکه بد کاریش برای او آرایش یافته و آن را نیک می بیند، مانند غیر اوست؟) فاطر، آیه ۸

۳/ املاء و استدراج

اهل باطل و کسانی که بر طغیان و انحراف شان اصرار دارند، خداوند بر نعمتهای مادی و دنیوی شان می افزاید تا فریفته و مغرورگردند و در مسیر باطل خود استوارتر شده و بر کفر و طغیان خود بیفزایند و استحقاق عذاب و عقاب بیشتر و دردناکتر را بیابند: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ مَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (کسانی که کفر ورزیدند مپندارند که مهلتی که به آنان دادیم، برایشان خوب است، فقط مهلت شان می دهیم تا گناهانشان بیشتر شود و عذابی خوارکننده دارند). آل عمران. آیه ۱۷۸ درآیه «فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ» (کسانی را که کفر ورزیدند مهلتی دادم و سپس گرفتم شان، و کیفر ما چه سخت بود) آیه ۳۲ رعد. یا «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ، وَ أَمَلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» (کسانی که آیات ما را دروغ می شمارند، از جایی که ندانند آهسته آهسته می گیریم و مهلت شان دهم که نیرنگ من بسیار استوار است) آیات ۱۸۲-۸۳ اعراف .

۴/ امهال

یکی دیگر از سنتهای الهی است که نسبت به کسانی که راه باطل را برگزیده اند، اعمال می شود و بدین معنی است که خداوند بنا بر مصالحی که خود می داند در تعذیب منحرفان و بیراهه روندگان، تعجیل نمی کند و به آنان فرصت می دهد تا شاید همه یا بعضی پشیمان و نادم شده و توبه کنند، مانند قوم یونس ۱۱ یا از نسل آنها انسانهای مومن و صالح پدید آیند. «وَلَوْ يَأْخُذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يَرْحَمُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اگر خداوند متعال مردم را به ستم شان موءاخذه می کرد بر روی زمین جنبنده ای باقی نمی گذاشت، ولی تا مدتی معین مهلتشان می دهد و چون مدتشان سرآید نه لحظه ای دیرتر و نه زود تر از میان می روند). نحل، آیه ۶۱

۵/ شکست در جنگ.

از سنت‌های الهی در مورد اهل کفر و عناد و ظالمین، مغلوب شدن آنان در جنگ و تحمل شکست است، «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا، سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (اگر کسانی که کفر می‌ورزند با شما بجنگند، پشت می‌کنند و می‌گریزند، سنت خدای متعال از پیش چنین بوده است و آن را دگرگونی ای نخواهی یافت) ۲۲-۲۳ سوره فتح. و در آیه شریفه «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَزِيْرًا حَكِيْمًا» (سپاهیان آسمان و زمین خاص خدای متعال است) سوره فتح، آیه ۷. خداوند متعال برای شکست طغیان گران و پیروان باطل ممکن است با راهها و وسایل گوناگون، اراده و اعمال کند، ممکن است گروههای باطل در جنگ باهمدیگر، یکی را شکست دهند و آن که غالب شده با درگیری با طرفداران و پیروان حق و حقیقت، مغلوب شده و شکست بخورد. و همچنین با انزال آرامش و تقویت قلبی مومنین و القای رعب و وحشت در قلوب کفار، و با عوامل مانند باد و باران و عوامل نامریی و امدادهای غیبی، بر مقتضای حکمت خداوند متعال، دشمنان و اهل عناد و کفر را شکست دهد. در تاریخ نمونه‌های زیادی داریم بر جریان این سنت و سنتهای الهی دیگر که به برخی از آنها اشاره شد؛ مانند شکست نمود در مقابل ابراهیم ۱۱ و فرعون در برابر موسی ۱۱ و نابودی اقوام قدرتمند عاد و ثمود و طغیانگران بنی اسرائیل و... مشرکان عنود صدر اسلام و سلسله ملعونه اموی و بنی عباس ستمگر، و در زمان معاصر، شکست استعمارگران قدیم و جدید از ملت‌های تحت سلطه و در برابر مبارزان؛ که شکست انگلیس و فرانسه، شوروی در افغانستان و آمریکا در جنگ ویتنام و شکست حکومت پهلوی در برابر نیروهای انقلاب اسلامی در ایران که منجر به استقرار حکومت دینی و اسلامی گردید (سنت جابجایی و شکست قدرتها).

۶/ گرفتاری در مشکلات و مصایب

یکی دیگر از سنت‌های الهی که کفار و اهل باطل را فرامی‌گیرد، گرفتاری آنها به مصایب و مشکلات است تا حالت تنبه و بازگشت به آنان رخ نماید «وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا نُصِيْبُهُمْ بِمَا

صَنَعُوا قَارِعَةً أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ» (کسانی که کفر می‌ورزند به سزای آنچه می‌کنند، پیوسته مصیبتی بزرگ یابه آنان یا در نزدیک زیستگاه شان رخ می‌دهد تا وعده خدای متعال فرارسد، که خدای متعال خلاف وعده نمی‌کند). رعد، آیه ۳۱. درآیه دیگر: «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (نیرنگ بد جز به صاحبش نمی‌رسد . مگر جز روش گذشتگان انتظاری دارند؟! هرگز سنت خدای متعال را تغییر پذیر و تبدیل پذیر نخواهی یافت). فاطر آیه ۴۳. این مشکلات و سختی های موقت و موضعی و جزئی ممکن است همانند سنت قبلی که گفته شد، توسط اهل حق، در جنگ حق علیه باطل، برای آنها یا در جنگ دو گروه باطل با هم یا در اثر حوادث و بلاهای طبیعی، رخ دهد.* آیت الله مصباح، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن ص ۴۵۴

۷/ تسلط مجرمان بر جامعه

اگر مشکلات و مصایب، باعث بازگشت و توبه اهل طغیان از مسیر کفرآمیز شان، نشد آنگاه نوبت عذاب استیصال و ریشه کن کردن آنان فرامی‌رسد، اما پیش درآمد آن که عذر برانداز است تسلط گناهکاران بزرگ و خوشگذران ها بر جامعه است که فساد و فسق و طغیان را به اوج می‌رسانند: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (چون بخواهیم جامعه‌ی را نابود کنیم خوشگذران‌های آن را فرمان می‌دهیم تا در آن جامعه عصیان کنند، آنگاه آن جامعه را ویرانش کنیم ویرانی کامل) آیه ۱۶ سوره اسراء.

۸/ عذاب استیصال

در جامعه‌ی که کفر و عصیان و طغیان و فساد در اوج رسیده و حکمت مطلقه‌ی الهی بیش از این مقتضی مهلت به طاغیان و معاندان نباشد، آنگاه نوبت عذاب استیصال و ریشه کن کردن یا انقراض یک قوم یا جامعه، (*علامه طباطبایی، المیزان، جلد ۸ ص ۲۳۱)، فرامی‌رسد؛ عذاب استیصال مختص کفار است . اما عذاب‌های تنبیهی ممکن است بر جامعه مومنان و کافران نازل شود . * مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن - راه و راهنماشناسی - ص ۱۴۳ درآیات

متعد قرآن کریم بر وقوع چنین عذابی در امت‌های گذشته دلالت دارد: آیات ۶ انعام و ۴ اعراف، ۵۴ انفال، ۱۳ یونس، ۱۷ اسراء، ۵۹ کهف، ۷۴ و ۹۸ مریم، و... در مورد اقوامی که به عذاب استیصال گرفتار آمده اند، مانند قوم نوح، قوم عاد، ثمود، قوم لوط، قوم شعیب، فرعونیان، اصحاب سبت، اصحاب رس، اصحاب قریه، قوم تبع، اصحاب فیل و... که سبب هلاکت و انقراض و استیصال آنان، در اثر کفر و شرک و ظلم و فساد و طغیان، بیان شده است.

عذاب استیصال از امت اسلامی برداشته شده است، مفسرین مطابق بآیه شریفه «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (ای پیامبر تا تو در میان آنان هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد و نیز تا مادامی که استغفار نمایند، خدا عذابشان نمی‌کند). سوره انفال آیه ۳۳. و همچنین آیه شریفه ۲۸۶ سوره بقره «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا» استفاده کرده اند که از جمله اموری که از امت اسلامی رفع شده، عذاب استیصال است. برخی روایات نیز بر این معنی دلالت دارد: از جمله روایتی که از وجود مبارک امام باقر (علیه السلام) نقل شده: «لایصیب قریه عذاب و فیها سبعة من المومنین» عذاب استیصال به جامعه‌ی که هفت مومن واقعی در آن باشد، اصابت نخواهد کرد. * کلینی، اصول کافی، جلد ۲ ص ۲۴۷. اما آن گونه که مرحوم علامه طباطبایی فرموده اند: مصلحت کلی و اساسی دین و مقتضای عدل الهی اینست که عذاب‌های تنبیهی و تادیبی، در جامعه اسلامی هم واقع می‌شود. تاتنبیهی برای ظالمین و دلگرمی برای مومنین باشد. * المیزان ج ۹ ص ۹۰ *

سنت‌های الهی اقسام زیادی دارد که از جمله می‌توان به سنت تدافع «وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتْ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» و اگر خدای متعال بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و مساجدی که ذکر خدا در آنها زیاد واقع می‌شود، ویران می‌شد. (حج، آیه ۴۰ و سنت مکر در آیه ۹۹ اعراف: «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ») آیا از مکر خداوند خود را ایمن دانستند، با آنکه جز مردم زیانکار کسی خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند. و سنت آشکار شدن مکر و دروغ: «إِنَّ اللَّهَ لَيَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ» (خدا نیرنگ خائنان را به جایی نمی‌رساند). آیه ۲۲ یوسف. و سنت بازگشت نیرنگ به مکرکننده: «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» (و

نیرنگ زشت جزبه صاحب آن برنخواهد گشت) فاطر، آیه ۴۳. سنت زندگی و مرگ جوامع مانند حیات و مرگ افراد: همانگونه که افراد دوران مختلف حیات و فعالیت و سرانجام مرگ را تجربه می‌کند، جوامع و به تعبیر قرآن کریم، "امت" ها نیز فرایند شکل‌گیری و فعالیت و انسجام و بالآخره فروپاشی و مرگ را تجربه می‌کنند. «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (و برای هرامتی اجلی است؛ پس چون فرارسد، نمی‌توانند ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش) اعراف. آیه ۳۴

سنت‌های دیگر الهی هم در قرآن کریم بیان شده که می‌توان آنها را در ذیل یکی از سنت‌های کلی و فراگیر یادشده برگرداند.

ویژگیهای سنت‌های الهی

سنت‌های الهی به معنی قوانین یا روشهای که خداوند متعال بر سرشت و سرنوشت فردی و جمعی عالم و آدم، ساری و جاری نموده است دارای خصایص و ویژگیهای است که امتیاز و برتری آنها را نسبت به قوانین و سنتهای بشری، برجسته می‌نماید:

۱/ هدفدار بودن و هدفمند کردن تاریخ

سنتهای الهی که برخاسته از علم بی‌نهایت الهی و براساس حکمت بالغه‌ی خداوند متعال می‌باشد، خود هدف حکیمانه را در درون خود دارند و همانطور بیانگر هدفمندی و هدف مند بودن تاریخ نیز می‌باشد. هدفمندی سنن الهی با توجه به غنای ذاتی خداوند متعال، برای رساندن انسان و جامعه انسانی به کمال و سعادت شایسته‌ی خود آنها است و چون از منشاء علم لایزال الهی صادر می‌شود، تمام مصالح و محاسن و ابعاد و جوانب آن، روشن و بااهداف حکیمانه و عقلایی همراه می‌باشد. برتری سنن الهی بر قوانین بشری نیز در همین نکته نهفته است؛ قوانین انسانی که از علم محدود انسانی سرچشمه می‌گیرد، همواره دچار نقص و ازهمین رو مدام در معرض تغییر و اصلاح و ترمیم و تکمله می‌باشد و از جهت دیگر ممکن است اغراض عقلایی به همراه نداشته و صرفاً در پی رفع نیاز شخص یا مجموعه‌ی اشخاص آنها نه به طورکامل باشد، اما قوانین الهی با عنایت و آگاهی کامل خداوند بر امور عالم و آدم و با در

نظر داشت مصالح مادی و معنوی بشریت، طرح و اجرا می‌شود. علاوه بر این، سنن الهی روند کلی تاریخ را هدفمند و مطالعه و تحقیق تاریخ را به صورت روشمند، فراروی انسان قرار می‌دهد،* سلیمانی جواد، «تاریخ در آینه پژوهش» سال هفتم شماره اول بهار ۱۳۸۹ مقاله - سنت مندی تاریخ در قرآن از منظر شهید صدر» چیزی که در توان تاریخ پژوهان نبود و تاریخ را فراتر از حوادث پراکنده و متوالی نمی‌دانستند اما با آشنایی با سنت مندی تاریخ از نظر قرآن، دیدگاه مادی نگری تاریخ و ضابطه مند نبودن آن نیز تغییر کرد و دانشمندان علوم تاریخی، هرچند دیر به این نکته پی برده و از آن در مطالعات و تحقیقات تاریخی بهره گرفته‌اند.

۲/ مصلحت نگری

خداوند متعال با بی نیازی مطلق و خیر محض بودن خود، علم بی نهایت به مصالح و مفاسد جهان خلقت، و تجلی نور و خیر و کمال خویش را در خلقت نشان داده است و بانظم محیرالعقول و زیبایی‌های اعجاب آمیز و شگفتی‌های بدیع، رحمت مطلقه اش را به مخلوقات ارزانی داشته و مصلحت بندگان را در نظر داشته و عنایت فرموده است. «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَآكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَآ يَشْكُرُونَ» (به تحقیق، خدا بر مردم بسیار صاحب تفضل است ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌دارند). سوره غافر، آیه ۶۱. در عبادات و تکالیف دینی، خداوند آسان گیری را بر عباد بر سخت گیری ترجیح داده و حتی انتخاب دین را با اکراه به مردم تحمیل نفرموده است و در مورد سنتهای امتحان و مکر و امهال و استدراج نیز خداوند متعال صلاح جمعی و عدالت را در نظر گرفته و هرچند به طور موقت و خصوص کیفر شدگان ممکن است با محاسبه خود آنها به صلاح شان به نظر نرسد اما بی تردید در مجموعه نظام هستی و خیر و صلاح مجموعه نظام، مطابق مصلحت و عدالت خواهد بود.

۳/ رشد و تکامل انسانی

همانگونه که هدف اولی و مهم قوانین بشری رشد و تکامل این جهانی و دنیوی است که در پرتو آن جامعه و افراد انسانی در امنیت و رفاه و آسایش به حیات جمعی ادامه دهند، در سنت ها و قوانین الهی هدف متعالی رسیدن به کمال حقیقی و سعادت و رستگاری واقعی که در راستای هدف

خلقت انسانها مدنظر می‌باشد، لحاظ شده است و از طریق و در سایه عبودیت و بندگی حاصل می‌شود و در هماهنگی کامل با هدف آفرینش و خلقت، قرارداد. زیرا بعد اصلی انسان، همان روح و تکامل روحی اوست که انسانیت انسان بسته به آن و در هماهنگی و اصالت دادن به خواسته‌ها و اقتضائات روحی، انسانها مسیر تکامل حقیقی را طی می‌کند. خداوند متعال به عنوان هستی بخش و آفریدگار مهربان که کمال مطلق و احاطه مطلق بر جهان و انسان دارد، هدف آفرینش انس و جن را عبادت و در نهایت کمال و رسیدن به قرب الهی، معرفی می‌کند و سنتها و قوانین الهی نیز مسیر این فرایند تکاملی را مشخص و انسان و جامعه را در صورت انتخاب آن مسیر، به آن کمال و تقرب، رهنمون می‌شود. «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (ای انسان، تو با زحمت و رنج به سوی پروردگارت حرکت می‌کنی و او را ملاقات خواهی کرد) انشقاق، آیه ۶. سنتهای الهی مانند فرستادن پیامبران که به فرموده علی (علیه السلام): «و اترعلیهم انبیاءه لیستادوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسی ّ نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یشیروا لهم دفاین العقول و یروهم آیات المقدره» (خداوند پیامبرانش را در میان آنها برانگیخت و انبیاش را پی در پی به سوی آنان فرستاد تا ادای پیمان الهی را از آنان بخواهد و نعمت‌های فراموش شده الهی را به یاد آنها بیاورد و با رساندن پیام الهی حجت را بر آنان تمام کند و گنجینه‌های پنهان اندیشه را بر آنان بشوراند و نشانه‌های قدرت را بر آنان بنمایاند). نهج البلاغه، خطبه اول. سنت ارسال رسل برای به کمال رساندن و رشد و تکامل عقل بشر، صورت گرفته است به همین سان سنت‌های امداد الهی، سنت امتحان و آزمایش، هدایت و حمایت‌های خداوند از مومنان صالح و... به منظور رساندن بشر به تکامل و سعادت و خوشبختی، جاری شده است.

۴/ هماهنگی

انطباق سنت‌های الهی در مجموعه نظام هستی و انسانی: در نظام احسن خلقت، قوانین الهی که همان سنتهای لایتغیر الهی است در هماهنگی کامل باهمدیگر طراحی شده است و به سان اندام‌هایی در پیکره‌ی هستی هرکدام در جای مناسب و کار کرد متناسب خود را به انجام می‌رسانند. برخلاف قوانین بشری که در بسیاری از موارد به دلیل ناسازگاری و گاه تناقض با

یکدیگر با مشکل مواجه شده و راه تعامل و سازگاری را بر مردم می‌بندند؛ چنانکه خداوند متعال در تحدی به قرآن به عنوان کتاب مشتمل بر قوانین و سنت‌های الهی، می‌فرماید: اگر قرآن از سوی غیراز خداوند می‌بود، هرآینه اختلاف بسیاری در آن می‌دیدید. در حالیکه قرآن کریم که واجد تمام آنچه که برای کمال و سعادت بشر لازم است، می‌باشد، کوچکترین ناهماهنگی و ناسازگاری در آن یافت نمی‌شود و تمام مطالب آن در حد اعجاز و خارق العاده بیان گردیده است. به طور مثال: سنت هدایت، امتحان و امداد الهی برای افراد و جوامعی که از آن بهره صحیح ببرند، مسیر رشد و تکامل را فرا روی شان می‌گشاید و سنت‌های امهال و استدراج و تنبیه گردنکشان و ظالمان در تامین عدالت و امنیت و آسایش جامعه انسانی و زمینه سازی سعادت و کمال جامعه را فراهم می‌کند و در هماهنگی کامل با مجموعه نظام احسن خلقت، قرار دارند. «... صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» (صُنِعَ خدایی را می‌بینید که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است) سوره نمل، آیه ۸۸. یا «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (پروردگار ما کسی است که به هر چیز آنچه لازمه آفرینش او بود، داده سپس رهبریش کرده است). سوره طه، آیه ۵۰ همانگونه که نظام تکوینی الهی از نظم محیرالعقول و انسجام بی‌مانند برخوردار است، نظام تشریحی و سنت گذاری و قوانین الهی نیز که هر دو از علم بی‌نهایت خداوندی سرچشمه می‌گیرد. دارای همان انسجام و هماهنگی و اتقان و استحکام می‌باشد.

۵/ فراگیری سنت‌های الهی

برخلاف قوانین بشری که از علم محدود و معلومات کم انسانها منشاء می‌گیرد و محدود به محیط خاص جغرافیایی و ابعاد خاص زندگی انسانهای مخصوص همان محدوده‌ی جغرافیایی و گاه متناقض با خواسته‌های فطری و عقلی انسانها، وضع و اجرا می‌شود. سنتها و قوانین الهی اما به دلیل صدور از منشاء علم بی‌انتهای و بی‌کران و آگاهی خدای متعال از تمام مصالح مخلوقات و جهان آفرینش، دارای ویژگی فراگیری و عمومیت تمام افراد و جوامع انسانی می‌باشد. همانگونه که خدای متعال با قدرت نامحدود خود مستکبران و ظلم‌کنندگان قدرتمند همانند اقوام عاد و ثمود و فرعون

و نمرود و قارون و... را نابود کرد، به همان سان افراد فقیر و مستضعفین را که به ناحق به استضعاف کشیده شده بودند را جزو پیامبران و پیشوایان خود قرارداد و وراثت زمین را به آنها خواهد بخشید. و به عبارت دیگر سنتهای الهی برهمگان قابل اجرا و اختصاص به نژاد و قوم و ملتی ندارد و به اقتضای عدل و حکمت و مصلحت کلی بشر، طرح و اعمال می‌شود.

۶/ پایداری و ثبات سنتهای الهی

سنتهای الهی بنابر حکمت و مصلحتی که خداوند متعال در وضع و اجرای آن‌ها دیده به طور لایتغیر از آغاز خلقت تا فرجام آن، در متن نظام هستی و انسانی جاری و ساری است. «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (سنتهای الهی درباره پیشینیان جاری بوده و به طور غیر قابل تبدیل جاری خواهد بود) احزاب، آیه ۶۲ و «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» روش خدای متعال که از پیش چنین بوده است و روش خدای سبحان را دگرگونی نخواهی یافت). فتح، آیه ۲۳

سنت خداند- برخلاف سنتها و قوانین بشری که بخاطر عدم احاطه بر تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی و مواجه شدن با اشکالات و ضعفها و کمبودها به منظور تکمیل و تسمیم، مدام در حال تغییر و تبدیل و یا حذف و جایگزینی می‌باشند.- از ثبات و پایداری برخوردار است. به همان دلیل که در فوق گفته شد و آن علم بی نهایت الهی بر تمام ابعاد زندگی انسان و جهان است که جز در حیطه‌ی قدرت لایزال الهی، به عنوان آفریننده دانا و توانا، در توان غیر اونیست. اصولاً نظام‌های قانون گذاری غیر توحیدی، بخاطر عدم دسترسی و محرومیت شان از منبع لایزال الهی، به نوعی بن بست تقنینی مواجه هستند، به طور مثال: در مورد "عدالت" به عنوان مبنای قوانین، هم نظام‌های دینی، آن را به معنای وضع شیء در موضع خود میداند، هم نظام‌های غیر دینی و لایبیک و سکولارها، اما در منبع عدالت اختلاف هست؛ نظام‌های غیر دینی منبع عدالت را عقل و خواسته بشر معرفی می‌کنند و از آنجاییکه برطبق آموزه قرآن کریم، افراد انسانی بهره‌ی اندک از علم و عقل دارند، با مشکل جدی مواجه می‌شوند زیرا جای حقیقی و شایسته‌ی اشیا و اشخاص را فقط آفریننده‌ی توانا و دانا (خداوند متعال)

می‌داند؛ چون آن‌ها را آفریده است.* بیانات آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر قرآن کریم در ذیل آیه شریفه "فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ" مومنون (۱۴) سجده آیه ۷. * اما با عقل و علم محدود بشر که متکی بر وحی و راه خطا ناپذیر آن نباشد، قوانین ناقص و احیانا متناقض وضع می‌کنند. به همین دلیل می‌بینیم که قوانین موضوعه، مدام در معرض نقض و نقص و تکمیل و ترمیم یا حذف می‌باشند.

نکته قابل یادآوری در مورد این ویژگی سنت‌های الهی اینست که برخی از سنت‌ها بنا بر اقتضای حکمت و علم و تقدیر و تدبیر الهی، ممکن است تحت حکومت و حاکمیت سنت دیگری قرار بگیرد به طور مثال: سنت امهال و استدرج موقتا بر سنت عذاب طاغیان و نابودی آنان، حاکم شود که منوط به علم لایزال و بی‌نهایت و حکمت بالغه‌ی الهی خواهد بود.

نکته دیگر اینست که سنت‌های که در این نوشته به آنها اشاره شد، از جمله سنت‌های است که مفسرین و اندیشمندان اسلامی از قرآن کریم استفاده و استنباط نموده اند و از آنجاییکه کتاب الهی قرآن کریم مشتمل بر تمام آنچه که _ برای سعادت بشر لازم است _ می‌باشد «ولارطب ولا یابس الافی کتاب مبین» یا «فیه تبیانا لکل شیء» بسیاری از سنت‌های دیگری که در قرآن عظیم آمده مورد بحث واقع نشده است. چه اینکه این کتاب مبارک همواره انسان‌ها را به تفکر و تدبر در آیات انفس و آفاق، و مطالعه در سیره و سرگذشت پیشینیان فرا می‌خواند تا از رهگذر آن، قواعد و قوانین و عبرت‌های برای زندگی فردی و جمعی، بیاموزند و در مسیر رشد و سعادت و رستگاری خود از آنها استفاده و به کار ببندند.

نتیجه

در این نوشته به بیان تعدادی از سنت‌های الهی که در قرآن کریم به مثابه‌ی قوانین و روش‌های الهی که در زندگی فردی و جمعی انسان، ساری و جاری است و اعمال و اجرای آنها در سرشت و سرنوشت حیات جمعی انسانها تاثیر به سزا دارد، پرداخته شد و در پایان به صورت مختصر و فشرده فهرست وار به آنها اشاره می‌شود.

یکم: قرآن کریم به عنوان کاملترین کتاب و محکم‌ترین کتاب آسمانی که در دعوا و دعوت

خویش، هیچ گونه تردید و ریب در آن نیست به بیان ضابطه مندی تاریخ و تبیین قوانین کلی تاریخ می پردازد که هم برای کشف قانونمندی تاریخ، شیوهی بدیع و ابتکاری است و کار تاریخ پژوهی را برای پژوهندگان، تسهیل و ضابطه مند و هموار نموده و نیز با آموختن و کشف آنها به عبرت آموزی ترغیب نموده است به گونه‌ی که سرشت و سرنوشت حیات فردی و جمعی انسانها به نسبت پابندی و ارتباط پیوسته با آن قوانین، در هر دو حالت مثبت و منفی تعیین و ترسیم می‌شود.

دوم: انسجام و سازگاری درونی قوانین و سنتهای الهی به عنوان امورتشریعی با نظم شگفت انگیز عالم تکوین، پرده از حکمت علیای الهی و حقانیت نظام هستی بر می‌دارد که هرگونه پوچ انگاری و لغو انگاری و تضاد پنداری را از میان بر می‌اندازد. «... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آنهاى كه در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند می‌گویند پروردگارا این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده ای پاک و منزهی، مارا به لطف خود از عذاب دوزخ نگاهدار). آل عمران، آیه ۱۹۱

سوم: سنت‌های الهی به منظور دگرگونی و تحول در اندیشه و رفتار انسانها به سمت و سوی سعادت طلبی و کمال خواهی، حرکت تاریخ را که ذاتا متحول و دگرگون شونده است، ضابطه مند و هماهنگ می‌کند و از همین رو، پیش بینی پذیر و قابل تغییر به سمت و جهت مثبت و سازنده می‌شود. تاریخ سازان که پیشوایان دینی و رهبران الهی نیز بوده اند با ویژگی دارا بودن پیامهای حامل سنت الهی، توانسته اند مسیرتاریخ را در جهت هماهنگ و متناسب با فطرت خداجوی انسانها سوق دهند، سرگذشت ادیان گواه خوبی بر این مدعا است.

چهارم: شناخت و عمل کردن بر طبق سنتهای حکیمانه الهی، نوید بخش جامعه ایدئال و حکومت عدل مهدوی (عج) و سرانجام خوشبختی حیات جاودانی میباشد چنانکه نادیده گرفتن آنها نیز خسران و زیان دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت که به مواردی از آن در باره‌ی جوامع پیشین، اشاره شد.

کتابنامه

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بی جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴-هـ ق
ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، ایران- قم، نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳ ش
جمعی از نویسندگان: رضایی اصفهانی، محمدعلی، کلانتری، ابراهیم، نصیری، علی، تفسیر
موضوعی قرآن کریم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء، بی تا
جوادی آملی، عبدالله، وحی و نبوت، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول ۱۳۸۸ ش
سلیمانی، جواد، تاریخ درآینه پژوهش، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹
شهید صدر، سیدمحمد باقر، مقدمات فی التفسیر القرآن، بیروت، لبنان، بی تا
علامه طباطبایی، محمدحسین، رحمته، تفسیرالمیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم،
دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴
- فارابی، محمد، سیاست مدینه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، بی جا، چاپ سوم، ۱۳۷۹
کرمی، علی، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، قم، نشر مرتضی، ۱۳۷۰
کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، انتشارات اسلامی،
مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۰۳ هـ
محمدی، گیلانی، محمد قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر، قم، نشر سایه، چاپ اول، ۱۳۷۵
مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ
دوم، ۱۳۷۲
- مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن کریم، قم، انتشارات موسسه امام خمینی رحمته چاپ اول،
۱۳۸۶
- مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، راه و راهنما شناسی، قم، انتشارات موسسه امام خمینی
رحمته چاپ سوم، ۱۳۹۲ ش

